

در گفت و گو تارنمای جنوب با «دکتر محمود کریمپور بختیاری» بررسی شد:

# عملکرد خان ها در توسعه و آبادانی سرزمین بختیاری مثبت نبوده است

گفت و گو/پدram طاهری



سال ۱۳۲۶ در قلعه تاریخی داراب خان چهارلنگ (متعلق به اجدادش که از رهبران ایل چهارلنگ بودند) در روستای بارده استان چهارمحال و بختیاری دیده به جهان گشود تحصیلات ابتدائی و بخشی از تحصیلات متوسطه را در اصفهان و تهران گذراند سپس راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن پاریس رشته حقوق را سپری نمود هم زمان علم زبان شناسی ژنرال (عمومی) را فرا گرفت پس از بازگشت به ایران برای آگاهی بیشتر و ذهن جستجوگرش دروس حوزوی-حقوق کیفری و مبانی فقه اسلامی- معادل لیسانس را در اصفهان و قم آموخت. محمود خان بر چند زبان گوناگون تسلط دارد ولی به شکل تخصصی مدرس زبان و ادبیات فرانسه است، دهها مقاله علمی زبان شناسی در مجلات گوناگون از جمله مجله کوهرنک که بیشتر پژوهشهای مرتبط با فرهنگ، جامعه شناسی، ادب بویژه پژوهشهای زبان شناسی بختیاری در دوره های مختلف تاریخ ایران انتشار داده است وی همچنین پژوهشهایی بر روی ۷۶ لغت فرانسه وارد شده از اواخر عهد قاجار تا عصر پهلوی به زبان پارسی و همچنین تعدادی کلمات انگلیسی وارد شده به زبان بختیاری در اثر مراد باشرکت نفت در مناطق نفت خیز بختیاری نشین انجام داده است.

از دیگر کوششهای فرهنگی بختیاری توسط دکتر محمود کرمپور حضور در ویژه برنامه های تاریخی و ادبی شبکه های تلویزیونی استانهای زاگرس نشین و شبکه یک و سه سراسری بوده است که با بیان ناگفته های تاریخ بختیاری بویژه حق پایمال شده نقش بختیاریها در پیشبرد جنبش انقلاب مشروطه می پردازد که می توان به حضور در بیست برنامه تلویزیونی شبکه جهان بین استان چهارمحال و بختیاری (تاریخ قوم بختیاری از دوره ایلام تا دوره دفاع مقدس) و صدا و سیما استان خوزستان اشاره نمود.

محمود خان کرمپور همچنان در عرصه های فرهنگی، پژوهشی و رسانه ای به تلاشهای فرهنگیش ادامه می دهد و در حال انجام پژوهش و تالیف تاریخ کامل بختیاری می باشد.



#### مقدمه:

جایگاه خان ها در ساختار سیاسی و اجتماعی قوم بختیاری و اینکه تا چه اندازه در پیشرفت و آبادانی سرزمین بختیاری کوشیده اند پرسش هایی است که چند سال اخیر در بوته نقد و اندیشه فعالان پژوهشی و فرهنگی قوم بختیاری قرار گرفته است. و دو گرایش و دیدگاه را در پی داشته است. دیدگاه نخست احیا دوباره نقش آفرینی خان ها در معادلات اجتماعی و سیاسی بختیاری را می پذیرد و دیدگاه دوم برای نقش سپردن به نسل جدید خان ها در عصر مدرن اعتقادی ندارد.

پایگاه تحلیلی فرهنگی تارنمای جنوب با توجه و اهمیت این چالش تاریخی در تلاش است رشته گفتگوهایی را با کارشناسان تاریخ و همچنین بدون تعارف با خاندانهای بختیاری واکاوی و بررسی نماید با این هدف در نخستین گام باب این گفتگوها را با محمود خان کرمپور (نواده علی مردان خان چهارلنگ که به مدت یک سال حکمران ایران زمین بود) آغاز نموده است. برای آشنایی بیشتر مخاطبان بخش هایی از کارنامه علمی و فرهنگی وی عنوان می شود.

در حال حاضر فضای مجازی خوب کار می کند و مباحثی طرح می شود که البته کافی نیست؛ البته راندمانی که به صورت آکادمیک انتظار داریم هنوز محقق نشده و این مسئله نیز باعث شده هر کسی به شکل خودنگاری و با تعریف خودش تاریخ را تفسیر کند.

هنوز حتی مشکل هفت و چهارمان حل نشده چون دو بیست سال روی ایجاد این اختلاف کار کردند؛ نامه ای قدیمی در دست است که علی مردان خان نامه ای به ابدال خان دورکی می نویسد و حتی یک کلمه از هفت و چهار در دو صفحه نامه نیست چون آن موقع این بحث ها وجود نداشته است.

اشتباه و قدرت طلبی شخصی باعث بروز اختلاف بین هفت و چهار شده است، حکومت قاجار این کار را انجام داد که آن هم دقیقا با برنامه و نقشه از پیش تعیین شده بود؛ صدوسی سال حکومت قاجار وارد بختیاری نشد و پیروز نشد مگر توسط یک خان و طایفه بختیاری تا یکی آن دیگری را بکوبد.

حتی زمان رضاخان به صورت سمبلیک بوده و همین مشکل ماست که اگر حقیقت تاریخ را بخواهیم بگوییم همه صدایشان در می آید که اینطور نگویید.

هرچند که در حال حاضر نسل جوان به سمت کسب اطلاعات پیش می رود ولی راندمان و خروجی مورد انتظار آنطور که باید و شاید هنوز به دست نیامده است.

**• یکی از نویسندگان تاریخ بختیاری نقدی داشت بر شیوه تاریخ نگاری بختیاری ها در دوره های گذشته و آن هم این بود که "تاریخ بختیاری صرفا بر اساس جهت گیری سیاسی خان ها نوشته شده" یعنی تاریخ نگاری بختیاری را صرفا تاریخ نگاری خان می دانست، دیدگاه شما در این مورد چیست؟**

درست گفته بود؛ اگر تاریخ را بررسی کنیم تا زمانی که اتحاد جماهیر شوروی آمده بود و تعدادی نویسندگان هم آمدند و یک سری تاریخ های مردمی نوشتند که طبیعتا برخی از آنها جعلی بود.

اغلب تاریخ های جهانی هم تاریخ پادشاهی بوده و قلم و هنر در اختیار سرمایه بوده و تا پول ها نبود که هنرمندان اروپایی نمی توانند کلیسای بزرگ واتیکان را بسازند؛ بنابراین درست است که اگر خوانین از بزرگان برای شرکت در مهمانی ها و دورهمی های خود دعوت نمی کردند، تاریخ نگاری نمی شد، پس معلوم است که این تحولات همیشه در طول تاریخ با بزرگان بوده است.

در انقلاب مشروطه هم حضور ۱۲۰۰ نفر تأیید شده ولی شاید ۶۰ الی ۷۰ نفر از مشارکت کنندگان کنار سردار اسعد شناسایی شدند که همه خوانین و از بزرگان بودند؛ این نوع تاریخ نگاری اسم عوام را نمی نویسد.

هرچند که همیشه تاریخ نگاری از بزرگان بوده ولی این یک نقطه مثبت است که خان، فرمانده و کلاتر اطلاعات را ارائه می دهد و اگر خان مورخ را مهمان نمی کرد که اصلا چیزی وجود خارجی پیدا نمی کرد و تاریخی نداشتیم.



## • چند سال اخیر در مباحث تاریخی بین پژوهشگران بختیاری مسئله تحریف تاریخ بختیاری مطرح شده دیدگاه شما چیست؟

در خصوص تحریف در تاریخ بختیاری چند دلیل داریم یکی اینکه اسناد مکتوب در خصوص بختیاری کم است، مثلا حمزه اصفهانی کتابی که سال ۳۰۰ قمری کار کرده با اصفهان کنونی تقریبا یکی است ولی ما به دلیل عشاير بودن، کوچ کردن و گذر از رودخانه ها و کوه ها و موانع طبیعی نتوانستیم که یک کتاب مدون و روشن داشته باشیم؛ همچنین به عنوان مردمان رهروی یا حتی ساکن با وسایل ابتدایی (چادر عشایری) نمی توانستیم یک کتاب دقیق داشته باشیم که یک سکوت در تاریخ نویسی ایجاد شد.

تحریف زمانی انجام می شود که قبل آن چیز دقیقی نباشد و ابتدا به ساکن هرکسی تفسیر خود را دارد؛ در کتاب مورخ معروف قرن ششم حمداله مستوفی قزوینی، برای اولین بار نام بختیاری دیده می شود یک سری مستشار نیز به ایران آمدند که با نگاه خودشان تاریخ ما را مطالعه کردند، نخست اینکه زبان پارسی نمی دانستند و ترجمه ای که برای مستشرق می شد بسیار نارس و ناقص بود و هرکسی با نگاه خودش تفسیر می کرد.

برخی ها ناآگاهانه تصور می کنند که اگر مسائل غریبه غیرعلمی (بیگانه با موضوع) را وارد تاریخ کنند بهتر است، ولی یکی از دلایلی که تاریخ نگاری خوبی نداشتیم این بود تا نامی گفته می شد، خصوصا از طایفه ای اسم می آوردند سر و صدای بقیه طوایف بلند می شد؛ هنوز هم گاهی بین طایفه زلکی و آسترکی گروه های کور تاریخی هست چون آن را حل نکرده اند.

در این بین هم هرکسی قصد نگارش حقایق را داشته باشد به دلیل تازه کار بودن یا کسانی که غوره نشده می خواهند مویز شوند، باعث می شوند که تاریخ نداشته باشیم یا همان مقدار کم هم که داریم تحریف شود.

حکومت های وقت بین ما دشمنی گذاشتند و این ترس از بنای دشمنی نهادن یکی از علل تحریف تاریخ بختیاری است.

نفت برای مردم هزینه می شد، در حال حاضر وضعیت شهرهای بختیاری به این شکل نبود.

سردار جنگ گفت: "بختیاری مانند داس است که هر وقت خواستی درو کن و بعد هم بنداز توی تاپو" و بر این اساس از بختیاری ها استفاده می شد اما آنطور که باید و شاید حق آنها را در توسعه سرزمین بختیاری ادا نکردند.

**• چرا خوانین از مردم بختیاری برای مشارکت در اداره املاک وسیع و اراضی خود استفاده نکردند و به نظر می رسد، همین مسئله سبب شد در دوره اصلاحات ارضی بسیاری از املاک بختیاری ها به دلیل این بی درایتی و نبود دوراندیشی خوانین توسط حاکمیت به نام مبارزه با فئودالیسم از سرزمین بختیاری جدا شوند، ارزیابی شما از این دوره تاریخی چگونه است؟**

خوانین منافع شخصی داشتند؛ اصلاحات ارضی در کل ایران بود ولی خوانین بختیاری تمام چهارمحال و بختیاری را داشتند و در سال ۱۳۳۰ کل این استان و حتی تمام دهات هایی که حالا شهر شده متعلق به اولاد جعفرقلی خان بود؛ همه متعلق به آنها بود ولی به خاطر منافع خود بختیاری های کشاورز پیشه را بیرون کردند و به جایش روستائیان ترک زبان و فارسی زبان چهارمحالی را آوردند، من جمله طایفه اسیوند بختیاری را از زمین های روستای راست آب و چلیچه بیرون کردند تا منافشان بیشتر حفظ شود که خوشبختانه قانون اصلاحات ارضی زمین ها را بین همان روستائیان جدیدالورود تقسیم کرد.

خوانین در واقع صرفا به خاطر منافع شخصی این کار را کردند و مردم را مشارکت ندادند؛ سردار اسعد یک هزار و دویست نفر برای فتح تهران همراه داشت ولی بعد از آنها خودش، پسرش و برادرانش در رأس و با به عنوان حاکم ولایت های مختلف از جمله اصفهان تعیین شدند.

در کرمان و کرمانشاه حکومت کردند و آنطور که باید به مردم بختیاری خدمت نکردند؛ به خاطر منافع شخصی که فلان آبادی دست نخورد، گذاشتند رعیت زراعت کند تا سهم خان را بدهد.

از آن سهم عظیم شاید در حد بخور نمیر به بختیاری هم می دادند که اصلا قابل بیان نیست.

**• پس از چند قرن فراز و فرودهای سیاسی هنوز ناپختگی سیاسی را در زمان حال نیز از فعالان سیاسی و بختیاری هایی که نماینده مجلس یا مدیر هستند، مشاهده می کنیم؛ این سیاسیون بختیاری هنوز در رفتارها و منش خود انکار از تاریخ درس عبرت نگرفتند و نتوانستند به یک وحدت فکری یا سیاسی برای درک منافع اقتصادی زاگرس مرکزی برسند و این به صورت یک بیماری تاریخی همچنان از نسل های گذشته به نسل کنونی سرایت کرده است در این باره ژان پیر دیگر عنوان می کند: «دلایل شکست های سیاسی بختیاری برادرکشی، نزاع های درون ایلی و تعدد سرکردگان بوده» که دو مورد را علم حقوق حل کرده ولی تعدد سرکردگان نه تنها کمتر نشده بلکه افزایش هم داشته است، به نظر می رسد یکی از دلایل این عقب ماندگی همان تعدد لیدرها و رهبران است دیدگاه شما چیست؟** همه به تفکر سیاسی بر می گردد؛ تعدد که اشاره کردید بله به دلیل همان دست خارجی است، به ویژه بعد از ورود نفت

از امام حسین (ع) نیز صدها جلد کتاب نوشته شده ولی در مورد برخی از ائمه شاید پنج جلد کتاب هم نوشته نشده و این مسائل طبیعی است و به خاطر همان دعوت بزرگان از مورخان است.

کسی نتوانست تاریخ عمومی بختیاری را بنویسد؛ این مورد را یک نقطه مثبت می دانم برای کسی که توانسته پایگاهی را برای دعوت تاریخ نویسان ایجاد کند.

اگر اتابک افراسیاب حاکم ایده و لربزرگ، از ابن بطوطه مراکشی سیاح معروف دعوت نمی کرد و ابن بطوطه نمی رفت از کجا می دانستیم که مردمان ایده آن روزگار شیعه علی بودند و شب تا صبح حسین حسین می کردند؟

ایزابلا بیسوب محقق اروپایی، سرهنری لایارد باستان شناس انگلیسی و ژان پیر دیگراد مردم شناس فرانسوی نیز به دعوت خوانین بختیاری در سرزمین بختیاری حضور یافتند و در خانه خان تاریخ نگاری خود را انجام دادند.

**• دو نگاه به خوانین هست نگاهی که نقد می کند خوانین نقشی در توسعه سرزمین بختیاری نداشتند و نگاهی دیگر که می گوید خوانین بخشی از هویت تاریخی بختیاری هستند؛ هر چند جامعه بختیاری هنوز هم به خوانین ارادت دارد، برای پرسش بگذارید مصدافی بیاورم عزیزاله خان نوروزی در توسعه عمرانی بختیاری در ساخت مسجد و یا کارهایی که در رامهرمز کرده شاید مفید بوده ولی به نظر می رسد خوانین آن چنان که باید و شاید کمکی به توسعه عمرانی سرزمین بختیاری نداشتند، ارزیابیتان به عنوان یک خاندان در خصوص جایگاه و نقش آفرینی خوانین در توسعه عمرانی سرزمین بختیاری چیست؟**

هر دو نگاه به خوانین درست است ولی کسانی که می گویند خوانین هیچ نقشی نداشتند بیشتر حق با آنهاست؛ ملکه یا حکومت پادشاهی برای ملت فقیر انگلیس چیزی به غیر از ضرر ندارد ولی با این حال در رفراندوم بیست سال قبل مردم خودشان اعلام کردند که این حکومت را می خواهیم؛ منهای تعدادی از بزرگان و خوانین مثل سردار اسعد که مدرسه ای ساخت یا کتابی نوشت و کتابی ترجمه کرد ولی بقیه خوانین سه درصد پول فروش نفت را گرفتند و خدانشناس ها یک ریالی به بختیاری ها کمک نکردند.

سال یک هزار و سیصد و نه رضا خان این سهم سه درصد را قطع کرد؛ رقم بسیار زیادی بود که با وجود دزدی های انگلیس آن موقع باز هم رقم بالایی در توسعه شهرها محسوب می شد ولی باز هم تا زمانی که این امتیاز را داشتند از آن سه درصد متأسفانه یک راه و جاده نداشتیم، حتی مدرسه و هیچ گونه کار عمرانی دیگری برای مردم بختیاری انجام نشد؛ خوانین حتی مالیات پل ها را نیز از انگلیسی ها می گرفتند ولی از این محل هم کاری برای مردم بختیاری انجام ندادند.

از مردم بختیاری مالیات شدیدی می گرفتند که مبلغ بالایی بود، به عنوان نمونه برای هر دو گوسفند باید یک ریال پرداخت می کردند و هیچ راه و لنجی نداشتند و این ظلم در حق آنها بود.

نمره خوانین صفر و ابد مثبت نیست؛ حتی یک عده از خوانین هزینه های بیخود در خارج از کشور انجام دادند که هیچ سودی برای مردم بختیاری نداشت، اگر یک درصد از آن سه درصد هم

ایران بروید، ما متعلق به این کشور هستیم؛ هزاران سال است که در پارسوماش بودیم و باید طی یک انسجام و هماهنگی خوب به حق سیاسی خود برسیم.

**• اگر قرار باشد که فرهنگ خانی احیا شود این بار قرار است چه نقشی به او سپرده شود و در واقع یک خانزاده باید چه کاری انجام دهد؟**

باید شرایط و فاکتورهای لازم را داشته باشد؛ اینار داشته باشد و با متانت حرف ها را بشنود؛ اعتلای تاریخ را باید در کنار منافع قوم در نظر بگیرد، باید جوابگوی مردم و همچنین از نظر مادی و معنوی خود کفا باشد؛ آن فرد باید علم و آگاهی کامل را هم داشته باشد و هر کسی این شاخص ها را نداشته باشد به شکست می رسد چون وقتی مردم بفهمند طرف دنبال منافع شخصی است او را طرد می کنند.

**• در مناطق بختیاری خصوصا شهرهای نفت خیز مثل مسجدسلیمان این جمله را با افتخار تکرار می کنند که شهر اولین ها یا ترین ها ولی چرا نتوانستیم یک کلانشهر مثل تبریز، مشهد و تهران یا حتی خرم آباد بسازیم؛ یک شهر صنعتی یا ابرشهر نساختیم و شهرهای کوچک فاقد هر استانداردی داریم به نظر شما چرا؟**

ما بختیاری ها نقش آفرینی در حوزه زاد بوم خودمان نداشتیم، یعنی نگذاشتند که کاری انجام دهیم که بخشی از دلایل نداشتن توسعه شهری، سیاسی است مثلا زمان رضا شاه مناطق بختیاری را به ۱۶ استان تقسیم کردند و چنان برنامه ریزی شد که نتوانیم کاری کنیم.

مثلا آن زمان به شهر کرد می گفتند دهکرد و در نهایت تلگراف را فقط آنجا گذاشتند؛ اصلا چنین مهلتی به ما داده نشد و حتی تا یک مدت اجازه نداشتیم از لباس و زبان خود استفاده کنیم؛ بعد هم آب را گذاشتند آن طرف رودخانه و گفتند خودتان بردارید و تقسیم کنید.

حتی یکی دو نهضت را چنان سرکوب و خلع سلاح کردند که حد و حساب ندارد؛ بختیاری عاشق تفنگ بود که برنو هم نبود سه تیر و پنج تیر روسی بود.

به تبریزی ها و بقیه امکان رشد و توسعه شهری دادند ولی به ما چنین امکانی ندادند؛ در سال ۱۳۲۲ به زور حتی حاضر نبودند یک فرمانداری بختیاری به ما بدهند؛ این فرصت ندادن البته یک ریشه تاریخی دارد.

۱۰ بار اسم چهارمحال و بختیاری عوض شد؛ اصلا امکان نمی دادند که کاری انجام دهیم و این توسعه شهری غیرممکن بود، حتی در همین دوره معاصر نیز حق آبه کارون و زاینده رود را نمی دهند.

**• ماجرای سریال سرزمین کهن که منجر به یک نقطه عطف اجتماعی در جامعه بختیاری تبدیل شد؛ برخی از فعالان فرهنگی بختیاری می گویند بهترین فرصت برای گرفتن یک شبکه تلویزیونی بوده که چانه زنی ها خوب نبود و فرصت این مورد از دست رفت، نگاه شما درباره این رویداد چگونه است؟**

مدارکی داریم که انگلیسی ها نیز این طایفه ها را با تفرقه افکنی به جان هم می انداختند؛ تعدد بین خوانین بزرگ داشتیم ولی اکنون چون قدرت مرکزی از بین رفته تعدد افزایش و هر کسی راه خودش را می رود.

افراد سیاسی باید از مدرسه سیاسی بیرون بیایند، کریم خان زند که به پادشاهی رسید ولی وقتی فوت کرد سه روز جسدش روی زمین ماند؛ او حتی نتوانست با آینده نگری برای قبر خودش فکری داشته باشد.

به نظر می رسد گاهی مواقع در عرصه سیاست یک خان بختیاری نمی دانست باید با تورات برود و بعد اگر نتوانست با چاقو برود، یعنی حتی این سواد معمولی را نداشته و خیلی زود قابلیت شکست خوردن را داشت چون از درون بین خودمان خراب بود و هم از بیرون روی آتش این اختلاف بنزین می ریختند.

خوانین علم سیاست نمی دانستند؛ علم سیاست این است که همه حول منافع مشترک جمع شوند و به نفعشان هست که یک لیدر فکری و سیاسی داشته باشند؛ استان اصفهان به تنهایی یازده وزیر دارد ولی بختیاری با شش میلیون نفر حتی یک وزیر هم ندارد از جمعیت کل استان اصفهان بالغ بر یک چهارم بختیاری ها هستند اما دریغ از یک نفر نماینده بختیاری در مجلس شورای اسلامی. چهار نماینده چهار محال و بختیاری در مجلس اصلا بختیاری نیستند و با اینکه ۷۵ درصد مردم شهر کرد بختیاری هستند تمام اعضای شورای شهر دهکردی هستند، حتی یک بختیاری در شهرداری و شورای شهر هم نداریم تا جایکه نتوانسیم حتی یک نام بی بی مریم بختیاری برای یک خیابان در چهارمحال و بختیاری نامگذاری کنیم چون بختیاری در شورای شهر عضویت ندارد و مابقی اعضا رأی مخالف می دهند.

**• در بین برخی از فعالان فرهنگی - اجتماعی بختیاری یک موجی ایجاد شده که به نظر می رسد به دنبال احیای خان و خانزادگی هستند، برخی ها نیز هیجانی با این موضوع برخورد می کنند؛ آیا می پذیرید کسی که آن جنم و شاخصه های اجتماعی و علمی را ندارد و برخی ها هیجانی دنباله روی آن می شوند این نقش را به آنها بسپارند؟**

این نگاه اصلا خروجی ندارد. به نظر من یک جاه طلبی و بازی کوچک بین خودش و دوستانش است؛ بادم می آید از دزفول با من تماس گرفتند که یک نفر اعلام کرده نوه علی مردان خان (علی مردان خان مردانی) هستم و من گفتم علی مردان شوهر عمه من هست، اصلا فرزندی نداشته که بخواهد نوه داشته باشد؛ این ها می خواهند یک سرگرمی داشته باشند، مانند جوانی که می خواست برای شورای شهر اصفهان کاندید شود و هدف خود را پر کردن رزومه اعلام کرد.

یکی از اقوامی که در دنیا نسب شناسی را خیلی خوب می دانند مردم بختیاری هستند و بختیاری ها اصلا گول نمی خورند.

دنبال احیای خان بازی رفتن اصلا فایده ای ندارد و اشتباه می کنند، بهتر است که برادری کنند و دشمنی هایی که طی دو بیست سال به ما تحمیل شده را کنار بگذارند؛ باید حق خود را در حد خودمان بگیریم حتی در عرصه سیاسی، مثلا فکر کنید بگویند از

روز دو اپیزود را بازمینی و از ۶۷۶ دقیقه کل سریال ۱۸۱ دقیقه آن را قیچی کردیم چون بسیار ناآگاهانه تولید شده بود. از این تولید ناآگاهانه ناراحت شدیم ولی با سانسوری که داشتیم گفتیم پخش شود؛ در نهایت سریال پخش شد و البته ضررهای نیز داشت.

به ما قول دادند که سعید سلطانی سریالی برای علی مردان خان تولید کند و در این سریال بی بی مریم را به آن شکلی که باید و بوده ترسیم می کند؛ اینکه بی بی مریم در عین بی سوادی دیگران کتاب نوشته و گفته باید از خانم ها استفاده شود، این اخلاق و عملکردهای بی بی مریم است که باید برای مردم بازگو شود.

تا جایی که می شد یک چهارم از سریال بی بی مریم را قیچی کردیم؛ برای رسیدن به تئورسین اصلی این سریال به کارگردان کلی بد و بیراه گفتیم و آخر نگفت که چه کسی این فیلمنامه را ارائه داده ولی مشخص شد کار از جای دیگری آب می خورد.

در نهایت به نظر من انسجام و اتحاد اگر باشد به آن چه می خواهیم می شود، عمل کرد.

**• در خصوص تاریخ خوزستان و کلا بختیاری از فروردین سال جاری در صدا و سیما تولید برنامه داشتید؛ ولی تاریخ بختیاری های خوزستان تاکنون به صورت مستقل و نقشی که در تحولات سیاسی - اجتماعی این استان داشته اند، بررسی و مکتوب نشده است، احمد کسروی نیز در کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان بختیاری ها را مانند تاریخ انقلاب مشروطه مورد بی مهری قرار داده است، دیدگاه شما در این خصوص چیست؟**

آقای کسروی تاریخ مشروطه را که می نویسد و ستارخان را از مسجد کبود تا بازار در هفت صفحه توصیف می کند ولی این کسروی نویسنده می گفت از بختیاری چیزی شنیده، یعنی محمدعلی شاه خود به خود سقوط می کند؟!!!!!  
بنابراین به همان دلیل لُرستیزی قاجار و پهلوی تاریخ تحولات بختیاری در خوزستان آنطور که باید و شاید مورد پردازش قرار نگرفت.

خاستگاه همه بختیاری ها از خوزستان بوده و بقیه بعدها عشایر بزرگ شدند و کوچ کردند؛ اصل ما بختیاری ها از اندیکا و پارسوماش است که این حق را به ما نداده اند ولی باید به صورت حرف حسابی این حق خود را بگیریم چون حق آنطور که باید برای خوزستان ادا نشده است.

**• علم حقوق آموخته اید و یک حقوق دان هستید تاکنون مسائل منافع و مطالبات بختیاری از جنبه های فرهنگی سیاسی و با دیدگاه و پیگیری فعالان فرهنگی سیاسی چانه زنی شده است چقدر تاکنون حقوقدان های بختیاری از منظر و ظرفیت های حقوقی منافع شهرهای بختیاری نشین را مطالبه گری نموده اند؟**

علم حقوق و فعالیت حقوقی با سیاست رابطه تنگاتنگ دارد، هنگامی که از جنبه حقوقی یک مطالبه مطرح می شود

بیانیه ای با ۷۶۰ امضاء برای علی عسگری فرستادیم که شما قول داده بودید برنامه بختیاری را به ما اختصاص دهید؛ خواسته ما حتی نیم ساعت یا یک ساعت برنامه بود ولی نه زمان سرزمین کهن بلکه هرگز به مخیله آنها نمی گنجد که یک فرصتی به ما بدهند و متأسفانه در این رابطه هیچ نقطه امیدی نیست، مگر اینکه بتوانیم چند ساعتی برنامه بگیریم که اینطور خوب می شود.

تمام تلاش خود را کردیم که هفته ای یک ساعت در استان اصفهان، دو ساعت در استان چهارمحال و بختیاری، نیم ساعت در استان لرستان که یک سوم آن بختیاری هستند و یک ساعت در استان خوزستان زمان پخش را به برنامه ای با زبان بختیاری اختصاص دهند ولی به هیچ عنوان اجازه ندادند.

ما بختیاری ها همه چیز داریم منهای یک پست مدیرکل صدا و سیما، متأسفانه یک بختیاری را در این سازمان حتی برای استان های بختیاری نشین به عنوان مدیر انتخاب نکرده اند.

مدیرکل استان های صدا و سیما به من گفت که زمان شاه شما رئیس شهرستان داشتید؟ خب ما هم ادامه همان هستیم؛ ما زمان قطعی هم یک بختیاری در عناوین شغلی ریاست شهرها نداشتیم.

**• آذر ماه ۹۶، سیصد و شست و پنج نفر از پژوهشگران و بزرگان هنری بختیاری را در قلعه داراب خان چهارلنگ تحت عنوان معاهده بارده دعوت و میزبانی کردید که برای رونمایی و تأسیس پژوهشکده قوم بختیاری بود، سرنویست پژوهشکده به کجا رسید؟ در همان سخنرانی ضمن تشکر از حضور مهمانان عرض کردم که اگر می خواهند کار پژوهشکده ادامه پیدا کند، باید از این شکل مجازی بیرون بیاید و یک مرکز حقیقی برای آن بگیریم و دور هم جمع شویم؛ در غالب مجازی فعالیت های پژوهشکده به همت چند نفر سرپا مانده که حالت اولیه را ندارد ولی باید مکان، ساختار، چارت و جایگاه حقیقی داشته باشد و هر دو ماه یک بار دورهمی داشته باشند؛ ضمن حمایت از فعالیت این پژوهشکده برای جایگاه و سرمایه گذاری مشکلی ندارم ولی باید خودشان بخواهند.**

**• در خصوص سریال بی بی مریم که به همت شما نشستی در صدا و سیما و استانداری برگزار شد که از بزرگان حمایت خواستید ولی بعد از انتشار با توجه به تذکره های تاریخی و اشاره به رویدادهای تاریخی این نقد را مطرح کردند: فیلم نامه، نقش آفرینی ها و محتوا خوب نبوده است پاسخ شما چیست؟**

آن زمان صدا و سیما خودش دعوت کرده بود و بعد من از ۱۲۰ نفر دعوت کردم و اغلب بختیاری ها هیچ کدام جزئیات این سریال را نمی دانستند؛ ۸۰ درصد تولید فیزیکی آن پر شده بود که به مدت یک سال و نیم جلوی پخش این سریال را گرفتیم، حتی آنجا که بی بی مریم از بالا روی اسب پایین می پرد به مذاق ما خوش نیامد.

شهریور ۹۷ در چغاخور گفتند که سریال پخش شود ولی هر چه که گفتیم عاقبت این سریال مثل سرزمین کهن می شود، قبول نکردند و چون برگ برنده دست آنها بود باید راه تعامل را در پیش می گرفتیم؛ بنابراین سریال را تماشا و به مدت یک هفته هر

## • نسبت به سنت های دست و پاگیر که سبب افزایش شیوع ویروس کرونا در شهرهای بختیاری شده در ویژه برنامه های تلویزیونی انتقاداتی داشته اید، آیا در این خصوص آسیب شناسی داشتید؟

علی رغم اینکه سنت خوبی داشتیم و در مراسمات عزاداری برای کمک به همدیگر سرباره می دادیم ولی فعلا تا درمان قطعی برای این درد منحوس کشف نشده و مثل خیابانی یک طرفه و بسته است، از همه درخواست دارم که این سنت چند هزار مهمان در مراسمات را کنار بگذارند.

پیشنهاد می کنم که یک مراسم کوچک بگیرند، چون سراغ دارم چند مراسم در خوزستان و کوهرنگ برگزار و در نهایت چندین نفر تلفات به علت ابتلا به کرونا داشته اند؛ تنها راه مبارزه با این ویروس رعایت فاصله گذاری اجتماعی و پروتکل های بهداشتی است.

درخواست داریم که بزرگان جلوی برگزاری این مراسمات را بگیرند تا این عفريت مرگ را به خانواده ها نبرند؛ اطلاعیه ای بدهند برای اینکه عزیزان دیگری مثل ما به سوگ نشینند، خیرات را به مستمندان می دهیم و مراسم برگزار نمی کنیم. این خودکشی و هلاک به دست خود است، چون علم می گوید از این کار دوری کنند.

پایان

حساسیت و شائبه سیاسی پیدا می کند قطعا می بایست از جنبه های حقوقی توسط فعالان حقوقی این مطالبات اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی می بایست مطرح شود اینجانب نیز در سالیان گذشته در حوزه های حقوقی و از دیدگاه حقوقی به مسائل و مشکلات مناطق بختیاری تگریستم و مطرح نموده ام. حقوق همان حق است و شما به همه مشکلات و مسائل و کمبود امکانات رفاهی، خدماتی و انسانی مناطق بختیاری که بنگرید جنبه حقوقی دارد و به لحاظ حقوقی باید موشکافی و عنوان شود، بطور مثال سهم نفت بختیاری ها از حاکمیت های گذشته تاکنون که این یک حقوق و مطالبه بوده است یا هزینه های میلیاردي که برای ساخت زیر ساخت های جاده ای و آزاد راهها در شمال کشور می شود و در مقایسه زیر ساخت های جاده ای به لحاظ کیفیت کار در میان مسافت شهرهای بختیاری نشین را ملاحظه می کنید که هنوز جاده ترانزیتی بین مسجد سلیمان اندیکا چهار محال و بختیاری به استاندارد و اتمام نرسیده است و مانند گذشته ها باید پستی و بلندی های کوهستان های بختیاری را در نوردید.

به نظر اینجانب در غالب مقالات و یادداشت های حقوقی از طریق رسانه های بومی منطقه زاگرس که رسالت آگاه سازی دارند، می بایست مسائل ریز و درشت واکاوی، بررسی و عنوان شود ولی تلاش های حقوقی نباید در دام سیاست بازی و سیاست زدگی گرفتار شود.